

ظرفیت آموزه‌های اسلامی در تأسیس بخش‌های اقتصادی (با تأکید بر اقتصاد بخش تعاونی)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۰/۹/۲۴

احمدعلی یوسفی*

چکیده

بعد از ناکامی‌های بخش خصوصی در حل معضل فقر و تضاد طبقاتی، نظام سرمایه‌داری به ظاهر نقش بیشتری در اقتصاد به دولت داد؛ اما اقتصاد مختلط دویبخشی نیز در حل معضلات اقتصادی کامیاب نبود؛ چون سرمایه‌داران بر تمام بخش‌های دولت مسلط شدند و هرگز به زیان خود عمل نمی‌کردند؛ پس از آن، مشکل را دوری اقتصاد از آموزه‌های اخلاقی اعلام کردند و بخش اقتصاد بدون سود را دنبال کردند. این امر نیز نتوانست مشکلات اقتصادی را حل کند؛ سپس، تعدادی از مصلحان اجتماعی، اقتصاد تعاونی را راه نجات از مفاسد نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم پیشنهاد دادند. با وجود این بخش‌ها، مشکلات اقتصادی تشدید شد.

نویسنده باور دارد که برای رفع مشکلات اقتصادی، اقتصاد چهاربخشی ضروری است؛ اما آموزه‌های نظام سرمایه‌داری برای این امر، ظرفیت لازم را ندارد؛ اما آموزه‌های اقتصادی اسلام به لحاظ نظری ظرفیت لازم را برای تأسیس اقتصاد چهاربخشی دارند. تحقیق پیش‌رو به روش توصیفی تحلیلی و با مقایسه ظرفیت آموزه‌های اقتصاد سرمایه‌داری با آموزه‌های اقتصاد اسلامی در تأسیس اقتصاد چهاربخشی، هر چهار بخش اقتصاد را براساس آموزه‌های اسلامی همراه با ویژگی‌ها و تمایزات بخش‌ها نسبت به هم معرفی می‌کند.
واژگان کلیدی: اقتصاد اسلامی، اقتصاد سرمایه‌داری، بخش دولتی، بخش خصوصی، بخش تعاونی، بخش خیرخواهانه.

طبقه‌بندی JEL: P40, P13

Email: Economi.eslamic@gmail.com.

*. دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقدمه

در نظام سرمایه‌داری اقتصاد به دو بخش خصوصی و دولتی تقسیم می‌شود. به تدریج در کنار این دو بخش، بخش سوم به‌عنوان اقتصاد بدون سود یا خیرخواهانه پدید آمد. همچنین بخشی از فعالیت‌ها در چارچوب برخی اصول و ارزش‌ها تحت عنوان اقتصاد تعاونی انجام می‌پذیرد. از چه زمانی و چگونه این نوع فعالیت‌ها و بخش‌ها پدید آمدند؟ آیا این بخش‌ها مشکلات اقتصادی بشر را حل کرده‌اند؟ آیا آموزه‌های نظام سرمایه‌داری ظرفیت لازم برای تحقق این نوع فعالیت‌ها و بخش‌ها را دارد؟ آیا با وجود این بخش‌ها، مشکلات اقتصادی بشر مرتفع می‌شود؟

با توجه به آنکه نظام سرمایه‌داری ادعای جهان‌شمولی دارد و در دو قرن اخیر - غیر از زمان کوتاهی و آن هم در بخش کوچکی از کره زمین که نظام سوسیالیسم حاکم بود - همیشه نظام سرمایه‌داری سلطه داشت؛ چرا نتوانست مشکل فقر و شکاف‌های عظیم درآمدی را حل کند و از بحران‌های اقتصادی جلوگیری کند؟ تحقیق پیش‌رو برای پاسخ به پرسش‌های پیشین، هر چهار بخش اقتصاد را در چارچوب آموزه‌های نظام سرمایه‌داری با اشاره به مبانی و نگاه تاریخی و بیان ویژگی‌های آنها معرفی می‌کند.* آنگاه کاستی در اقتصاد را با وجود این بخش‌ها نشان می‌دهد و مشخص می‌کند که نظام سرمایه‌داری فقط برای تحقق اقتصاد بخش خصوصی سرمایه‌محور ظرفیت لازم را دارد و با اقتصاد خیرخواهانه و تعاونی واقعی ناسازگار است و اقتصاد بخش دولتی نیز در خدمت بخش خصوصی و سرمایه‌داران است. اساساً وجود این بخش‌ها در کنار هم در نظام سرمایه‌داری، نوعی تناقض و ناسازگاری درونی شمرده می‌شود؛ بنابراین، نظام سرمایه‌داری، هرگز با وجود این بخش‌ها قادر به حل مشکلات اقتصادی بشر نخواهد بود؛ اما اقتصاد اسلامی ظرفیت لازم برای تحقق هر چهار بخش اقتصاد را دارد و با بازسازی آموزه‌های اقتصاد تعاونی آن را به‌عنوان یک بخش در کنار سه بخش دیگر می‌پذیرد. با سازگاری درونی این

* منظور از نگاه تاریخی ترتب و تقدم تاریخی هر یک بر دیگری نیست؛ بلکه علت وقوع آن بخش از اقتصاد در مقطع خاصی از تاریخ تحولات اقتصادی است.

چهار بخش در نظام اقتصادی اسلام، می‌توان امید به حل مشکلات اقتصادی بشر داشت. با توجه به مطالب پیش‌گفته فرضیه‌های تحقیق عبارت است از:

۱. آموزه‌های نظام سرمایه‌داری ظرفیت لازم برای تأسیس اقتصاد چهار بخشی را ندارند؛

بنابراین، نظام سرمایه‌داری در حل مشکلات اقتصادی جهان ناتوان است؛

۲. حل مشکلات اقتصادی جهان نیازمند اقتصاد چهار بخشی است و آموزه‌های نظام

اقتصادی اسلام ظرفیت لازم برای تأسیس اقتصاد چهاربخشی را دارند.

روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است؛ بنابراین متن

اصلی تحقیق، محتوای مدارک و مآخذ اسلامی و نظام سرمایه‌داری است که با تحلیل‌های

عقلی و بهره‌گیری از روش‌های عقلایی، اهداف مقاله دنبال می‌شود.

سیر تحولات بخش‌های اقتصادی در نظام سرمایه‌داری

بعد از انقلاب صنعتی، اقتصاد از شکل سنتی خارج و واحدهای تولیدی با تولیدات فراوانی روبه‌رو شدند. براساس تابع تولید $Q=F(L, K)$ نیروی کار و سرمایه دو عامل تولید هستند؛ آنگاه، این پرسش مطرح شد که هر کدام از عوامل تولید - سرمایه و نیروی کار - نسبت به این تولیدات چه سهمی دارند؟

این تابع اساسی‌ترین تابع و این پرسش نیز مهم‌ترین پرسش در اقتصاد است. نظام سرمایه‌داری براساس مبانی بینشی و ارزشی خود و نیز بر پایه اصول برگرفته از آن مبانی (اصل پیگیری منافع مادی شخصی، اصالت مالکیت فردی مطلق، اصل آزادی مطلق اقتصادی، اصل رقابت اقتصادی و اصل عدم مداخله دولت در روابط اقتصادی مردم)،* در عمل به این سمت رفت که تمام مازاد تولید اختصاص به سرمایه دارد. در حقیقت مالکیت ابزار تولید و نیز محصول تولیدی و مدیریت تمام فرایند اقتصادی به سرمایه اختصاص پیدا کرد و نیروی کار فقط دستمزد ثابت دریافت می‌کرد. سرمایه، عامل تعیین میزان سهم از تولید، عامل تعیین حق مدیریت بنگاه‌های اقتصادی و همچنین تعیین حق مالکیت شد. در نتیجه منزلت انسان در روابط جدید اقتصادی به شدت تنزل یافت و سرمایه که در اختیار

* جهت آشنایی با مبانی بینشی و ارزشی نظام سرمایه‌داری و اصول برگرفته از آنها، رک به: یوسفی،

افراد خاصی قرار گرفته بود، جایگاه رفیعی یافت. این وضعیت باعث شد ثروت جامعه در دست افراد اندکی جمع شود. به این صورت اقتصاد خصوصی سرمایه‌داری شکل گرفت (کاپلستون، ۱۳۷۵، ص ۱۷۹ / ژید و ژیست، ۱۳۷۰، صص ۹- ۱۸ و ۱۲۴- ۱۲۵ / تفضلی، ۱۳۷۵، صص ۶۹- ۷۰، ۷۲ و ۸۶- ۸۷ / نمازی، ۱۳۸۲، ۲۲- ۲۴).

بخش‌های هر نظام اقتصادی را می‌توان براساس عناصر اصلی اقتصادی بررسی و با دیگر بخش‌های اقتصادی مقایسه کرد. این عناصر همان اصول پیش‌گفته یا عناصر برگرفته از آن اصول و مبانی هستند که در ادامه ویژگی‌های اقتصاد خصوصی با این عناصر بررسی می‌شود.

ویژگی‌های اقتصاد بخش خصوصی سرمایه‌داری

ویژگی‌های اقتصاد بخش خصوصی به شرح ذیل است:

۱. هدف فعالیت اقتصادی حداکثر کردن منافع مادی شخصی فعالان اقتصادی است؛
۲. همه فعالان اقتصادی برای حداکثر کردن منافع مادی خود به‌طور مطلق آزاد هستند؛
۳. مالکیت، فردی و مطلق است؛
۴. اصل رفتاری رقابت داروینستی غیرقابل انکار شد؛
۵. با توجه به هدف و اصول پیشین، وقوع انحصار توجیه‌پذیر شد؛
۶. سازوکار قیمت‌گذاری به عرضه و تقاضای بازار سپرده شد و هرگونه استفاده از وضعیت بازار مجاز شد؛
۷. سرمایه جایگاه رفیع پیدا کرد و شأن نیروی کار تنزل یافت و در خدمت سرمایه قرار گرفت؛
۸. دولت جایگاهی در اقتصاد نداشت و فقط عهده‌دار تولید برخی کالاها و خدماتی؛ مانند: امنیت شد که تولید آنها برای بخش خصوصی سودآوری نداشت و به‌طور معمول بستر فعالیت اقتصادی را برای بخش خصوصی فراهم می‌کرد؛ در حقیقت، دولت حافظ منافع سرمایه‌داران شد.

پیگیری این آموزه‌ها، آثار اسفباری؛ مانند: رکود، بیکاری و فقر گسترده را به دنبال داشت (رک به: ژید و ژیست، ۱۳۷۰، صص ۲۶۹- ۲۷۴ / فروم، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰ / پالم، ۱۳۸۳، ص ۱۲). سرانجام، گروه‌هایی به مخالفت با اقتصاد خصوصی و لوازم آن برخاسته و به اقتصاد دولتی رو آوردند. آنان بر نفی مالکیت خصوصی و نیز لغو قاعده پیگیری منافع مادی شخصی همراه با انحصار و دخالت کامل دولت در اقتصاد اصرار می‌ورزیدند. آنان به

چند دسته تقسیم می‌شدند؛ اما اکثر آنان سرمایه را فی‌نفسه عقیم و کار را فقط تعیین‌کننده دستمزد و ارزش مبادله کالاها و خدمات می‌دانستند (قدیری اصلی، ۱۳۶۸، ص ۲۷۵ - ۲۸۰). آنان باور داشتند که رقابت به سود سرمایه‌داران بزرگ و به انحصار اقتصادی به‌وسیله سرمایه‌داران خواهد انجامید؛ بنابراین، آزادی و رقابت اقتصادی را نفی می‌کردند.

اقتصاد خصوصی سرمایه‌داری برای نیروی کار، نقشی قایل شده و دستمزد حداقلی برای وی تعیین کرده بود؛ اما اقتصاد دولتی هیچ نقشی برای سرمایه قایل نشد و در نتیجه هیچ بهره‌ای هم برای آن تعیین نکرد (ژید و ریست، ۱۳۷۰، ج ۱، ۳۷۱ - ۴۱۵ / پل روی، ۱۳۴۹، ص ۴۸ - ۴۹ / بازارگارد، ۱۳۸۲، ص ۹۲۷ - ۹۳۰ / طالب، ۱۳۷۶، ص ۲۸ - ۵۳ / قدیری اصلی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۳ - ۲۶۹).

بعد از مدتی آثار اسفبار اقتصاد دولتی نیز آشکار شد و فقر عمومی در کشورهایی که براساس اقتصاد دولتی اداره می‌شدند، بروز کرد و ناکامی‌های آن بر همه مبرهن شد. این ناکامی‌ها باعث حذف این نوع اقتصاد شد و نظام سرمایه‌داری دوباره سلطه خود را فراگیر کرد. برای جلوگیری از گسترش اقتصاد دولتی، نظام سرمایه‌داری دست به اصلاحاتی زد. به‌ظاهر نقش دولت را در اقتصاد زیاد نمود و بخشی تحت عنوان اقتصاد دولتی در کنار بخش خصوصی با ویژگی‌هایی متمایز از بخش خصوصی به‌فعالیت مشغول شد. بدین وسیله، اقتصاد مختلط دوبخشی شکل گرفت. در ادامه، اقتصاد مختلط و نتایج اجرای آن اشاره می‌شود.

اقتصاد مختلط، ویژگی‌ها و نتایج آن

اندیشه‌وران نظام سرمایه‌داری برای جبران ناکامی‌های اقتصاد خصوصی و دولتی، اقتصاد تلفیقی را دنبال کردند. در این اقتصاد باید اقتصاد بخش خصوصی وجود داشته باشد و همچنان اصل اقتصاد بخش خصوصی است؛ اما نقش و هدف دولت فقط برای تأمین منافع فعالان اقتصاد خصوصی نباشد؛ بلکه تأمین رفاه همه مردم باشد. دولت با دریافت مالیات از سرمایه‌داران، برخی خدمات عمومی را افزایش داد؛ اما مبانی بینشی و ارزشی نظام اقتصادی مختلط تفاوتی با اقتصاد بخش خصوصی پیدا نکرد. از آنجایی که همچنان اصل با اقتصاد بخش خصوصی بود، بخش خصوصی با همان ویژگی‌های هشت‌گانه به فعالیت خود ادامه داد.

اقتصاد سرمایه‌داری با مبانی، اصول و ویژگی‌های پیش‌گفته هرگز به نهادی مانند دولت اجازه نمی‌دهد مانع حداکثرسازی منافع مادی آنان شود. در حقیقت کسانی که پیش از آن فقط اقتصاد خصوصی را در اختیار داشتند، چون منافع آنان در معرض خطر قرار گرفته بود، دست به اصلاحاتی در اقتصاد زدند تا منافع آنان همچنان محفوظ بماند؛ چون در کشورهای سرمایه‌داری در کنار آزادی اقتصادی، فعالیت‌های سیاسی نیز آزاد و رقابتی بود. در رقابت سیاسی، سرمایه و پول نیز همچنان نقش اصلی را داشت؛ در نتیجه، در فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی کرسی‌های سیاسی و دولتی در اختیار سرمایه‌داران قرار گرفت؛ همان کسانی که اقتصاد خصوصی را تحت تسلط داشتند، اقتصاد دولتی را هم به خدمت گرفتند. وقوع چنین اتفاقی در نظام سرمایه‌داری، به‌طور کامل توجیه‌پذیر است. چون با توجه به مبانی و اصول متخذ از آن، منطقاً هیچ جایی برای نهادی مانند دولت که خلاف منافع سرمایه‌داران حرکت کند، وجود ندارد.

اقتصاد بخش خصوصی و مختلط ادعای جهان‌شمولی داشته و مدعی هستند که با اجرای نظریه‌های خود در تمام دنیا مشکلات اقتصادی حل می‌شود. ناکامی‌های اقتصاد خصوصی اشاره شد؛ اما آیا اقتصاد مختلط، قادر به حل مشکلات اقتصادی مردم دنیا شد؟ آمارهای رسمی بین‌المللی حاکی از عدم موفقیت اقتصاد مختلط دویبخشی در رفع فقر گسترده و شکاف شدید طبقاتی است (ر.ک به: یوسفی، ۱۳۸۹، ۴۵-۴۷). این ناکامی‌ها باعث شد تا اقتصاددانان عمل به ارزش‌های اخلاقی را در دستور کار خود قرار دهند و ادبیات اقتصادی جدیدی به نام اقتصاد خیرخواهانه یا اقتصاد بدون سود رقم بخورد.

اقتصاد بخش بدون سود (خیرخواهانه)

پس از فاصله گرفتن اقتصاد از ارزش‌های اخلاقی، بشر شاهد بی‌عدالتی، فقر گسترده و بحران‌های اقتصادی شد. بحران ۱۹۳۰ یکی از آنها است. در دهه‌های اخیر از سوی اندیشه‌وران اقتصادی، از جمله *آمارتیا سن* (Amartya sen) برنده جایزه نوبل سال ۱۹۹۸، رویکرد اخلاقی به اقتصاد دوباره آغاز شد. وی در کتاب *اخلاق و اقتصاد* نظریه‌هایش را به‌خوبی بیان کرده است (فشارکی، ۱۳۷۷، ص ۸۸). وی باور دارد که جدایی اقتصاد از اخلاق باعث تضعیف اقتصاد رفاه شده است (همان). وی تصریح می‌کند که رفاه عمومی

پاداشی است که عمل به ارزش‌های اخلاقی نصیب ما می‌کند (همان، ص ۹۹)؛ بنابراین، ادبیات اقتصادی دیگری به نام «اقتصاد بخش بدون سود یا خیرخواهانه» شکل گرفت (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۴-۳۶۷).

طرفداران نظام سرمایه‌داری با دنبال کردن بخش اقتصاد بدون سود با پرسش‌های مهمی روبه‌رو هستند. تردیدی نیست که انسان به‌طور دائم در تزاخم گزینش هدف شخصی - حداکثر کردن نفع مادی شخصی - و عمل به ارزش‌های اخلاقی به جهت رفاه عمومی است. چه چیزی باید وی را وادارد تا از نفع شخصی خود صرف‌نظر کند؟ چرا باید نفع شخصی خود را برای رفاه دیگران کاهش دهد، در حالی که براساس آموزه‌های سرمایه‌داری، با ترجیح نفع شخصی، از لذت‌های بیشتری بهره‌مند خواهد شد؛ در نتیجه خود را سعادتمندتر می‌بیند و این رفتار، رفتار عقلایی شمرده می‌شود.

۱۰۷

در نوشته‌های *آمارتیا سن* و دیگر اقتصاددانان سرمایه‌داری نمی‌توان پاسخ روشن و قاطعی برای این پرسش‌ها یافت؛ بنابراین، همین امر باعث می‌شود تا تمام نظریه‌های اخلاقی آنان برای حل مشکل اقتصادی با ضعف جدی روبه‌رو شود. آنان به خوبی مشکل را دریافتند؛ اما این نظریه‌ها در صورتی موفق به حل مشکل اقتصادی خواهند شد که مبانی ارزشی و اخلاقی را مبتنی بر مبانی بینشی الهی کنند. انسانی که حیات را اعم از حیات زودگذر دنیوی و اخروی و نعمت‌های دنیوی را اندک و پایان‌پذیر و نعمت‌های اخروی را پایان‌ناپذیر، بی‌بدیل و گسترده می‌داند، هنگام تزاخم، حاضر خواهد شد رفاه عمومی را بر منافع شخصی خود ترجیح دهد؛ چون در این صورت به قاعده عقلایی بیشتر را بر کمتر و پایدار را بر ناپایدار ترجیح دادن، عمل کرده است و خود را سعادتمندتر می‌داند (میرمعزی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۳۴۰ / میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۴-۳۶۷ / یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۴-۲۰۸).

به‌رغم کوشش‌های فراوانی که در چند دهه اخیر برای اجرایی کردن ارزش‌های اخلاقی در سطح بین‌المللی صورت گرفته است؛ اما کامیابی چندانی در این‌باره حاصل نشده و اقتصاد بین‌المللی با بحران روبه‌رو شده و فقر و شکاف طبقاتی گسترده‌تر شد و با قبول اقتصاد مختلط سه‌بخشی، مشکل اصلی هم‌چنان باقی است. آیا راه‌حلی برای رفع این مشکلات وجود دارد؟

به نظر می‌رسد هر یک از سه‌بخش پیش‌گفته، برای اقتصاد ضروری است؛ اما باید در پی بخشی از اقتصاد بود که از اساس فقرزدا باشد و در عین حال به انگیزه‌های شخصی نفع‌طلبانه و خیرخواهانه افراد احترام بگذارد و جایگاه دولت را در رفع خلأهای باقی‌مانده، محفوظ بدارد. در این بخش، نیروی کار مالک ابزار تولید و کالا و خدمات تولیدی است، نقش جدی در مدیریت دارد، دستمزد ثابتی به تناسب توان و تخصص خود دارند. همچنین از سود سهام بهره‌مند است و مازاد برگشتی نیز نصیب وی می‌شود. این بخش به نام اقتصاد بخش تعاونی است که در ادامه تبیین می‌شود.

برای روشن شدن این مطلب، به پرسش اصلی و پاسخ آن مراجعه می‌کنیم. پرسش این بود که سهم عوامل تولید - سرمایه و نیروی کار - از منابع و محصولات تولیدی چقدر است؟ گروهی برای این مشکل راه‌حل دیگری تحت عنوان اقتصاد تعاونی ارائه دادند که با موفقیت‌های خوبی همراه بود. در ادامه خواستگاه تاریخی این راه‌حل بیان و ابعاد آن تبیین می‌شود.

خواستگاه تاریخی اقتصاد تعاونی

تعاون‌طلبان در سال ۱۸۴۴ میلادی براساس اصول و ارزش‌هایی اقتصاد تعاونی را تأسیس کردند تا از مفاسد اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم به دور باشند. آنان در این اقدام با کامیابی‌های خوبی روبه‌رو شدند (ر.ک به: طالب، ۱۳۷۶، ص ۸۵ / وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲، ص ۴۵ - ۴۷ / کمبرلی و کراپ، ۱۳۸۵، ص ۴۰). به دنبال آن کامیابی‌ها، اقتصاد تعاونی به سرعت در سطح بین‌المللی گسترش یافت (ویچ، ۱۳۴۷، ص ۲۶ - ۲۷ / وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲، ص ۲۴۵ - ۲۴۸)؛ اما چون اصول، ارزش‌ها، اهداف، روش‌های فعالیت اقتصادی مورد قبول تعاون‌گران و نیز جایگاه انسان و سرمایه با آموزه‌های نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم ناسازگار بودند، طرفداران هر دو نظام پس از مایوس شدن از نابودی اقتصاد تعاونی، کوشیدند تا آن را به انحراف بکشانند و تا حد فراوانی هم موفق شدند و هم‌اکنون اقتصاد تعاونی با توجه به میزان تحقق امور پیش‌گفته به سه نوع تقسیم می‌شود که عبارت هستند از: ۱. اقتصاد تعاونی واقعی؛ ۲. اقتصاد تعاونی کاذب و جعلی؛ ۳. شبه تعاونی (پل روی، ۱۳۴۹، صص ۱ و ۲۷ / طالب، ۱۳۷۶، ص ۱۱ / کالن، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۱۹۶).

اقتصاد تعاونی واقعی با ویژگی‌هایی که دارد خود، نظام اقتصادی مستقلی در برابر دو نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم است. به همین جهت هر دو نظام کوشیدند تا مانند دو لبه یک قیچی، نظام اقتصاد تعاونی را تحت فشار قرار دهند؛ سرانجام آن را به انحراف کشانده و از سطح تعاونی‌های واقعی به تعاونی‌های کاذب یا شبه تعاونی تنزل دادند. پس از فروپاشی بلوک کمونیسم این فشارها یک‌جانبه از سوی نظام سرمایه‌داری به تعاونی‌های واقعی وارد شد. به‌رغم کوشش‌های فراوان اتحادیه بین‌المللی تعاون، جریان حاکم بر تعاونی‌ها در دنیا، جریان تعاونی‌های کاذب یا شبه تعاونی است. این تعاونی‌ها هم اکنون در کنار سه‌بخش دیگر اقتصاد در کشورهایی با نظام سرمایه‌داری فعالیت می‌کنند.

واضح است که مبانی بینشی و ارزشی نظام سرمایه‌داری و اصول برگرفته از آن هرگز با اصول و ارزش‌های تعاونی سازگار نیستند؛ بنابراین به لحاظ نظری در نظام سرمایه‌داری وجود اقتصاد تعاونی واقعی امکان ندارد؛ همان‌طور که تحقق اقتصاد دولتی و بدون سود، ممکن نیست.

ظرفیت آموزه‌های اسلامی برای تحقق اقتصاد چهار بخشی

در این قسمت از مقاله با تبیین مبانی بینشی و ارزشی نظام اقتصادی اسلام، و تبیین اهداف و ویژگی‌های بخش‌های چهارگانه اقتصاد، وجوه تمایز این بخش‌ها تشریح می‌شود.

مبانی بینشی نظام اقتصادی اسلام

از دیدگاه اسلام جهان هستی و انسان، آفریده خداوند متعال ﷻ است (انعام: ۶). برای اینکه انسان به سعادت دست یابد، خداوند متعال ﷻ افزون بر هدایت تکوینی (طه: ۵۰)، هدایت تشریحی نیز دارد (جمعه: ۲). از دید آموزه‌های اسلامی، جهان هستی مشتمل بر دو عالم دنیا و آخرت است. انسان دو زندگی؛ یکی در دنیا و دیگری در آخرت دارد و زندگی آخرت در طول حیات دنیایی و در ادامه آن است. حیات انسان در عالم آخرت جاویدان و ازلی است. حیات عالم دنیایی انسان در عالم آخرت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و برای تمام اعمال کوچک و بزرگش پاداش و کیفر تعیین می‌شود (زلزله: ۶ - ۸). نعمت‌های عالم آخرت بی‌بدیل، گسترده و پایان‌ناپذیر است و برای مؤمنان هر گونه لذت و به هر مقداری در عالم آخرت فراهم است (غافر: ۴۰ / زخرف: ۷۱ - ۷۲).

انسان جانشین خداوند متعال ﷺ روی زمین و مسئول در برابر حضرتش است (انعام: ۱۶۵ / بقره: ۳۰). هدف از آفرینش انسان دستیابی به سعادت و کمال است. سعادت انسان عبارت است از: برخورداری از بیشترین لذت و کمترین رنج در حیات دنیایی و آخرتی. انسانی سعادتمندتر است که سرجمع لذت‌های دنیایی و آخرتیش بیشتر باشد. خوب از نظر انسان آن است که وی را به هدف زندگیش نزدیک کند و بد آن است که وی را از هدفش دور سازد. رفتار عقلایی اقتضا دارد که انسان همیشه در پی لذت بیشتر و پایدارتر باشد (یوسفی، ۱۳۸۶، ۱۹۸ - ۲۰۸). از دید آموزه‌های اسلامی، انسان ضمن استقلال در تصمیم‌گیری شخصی، در برابر جامعه نیز مسئولیت‌هایی دارد.

بخش‌های اقتصادی براساس آموزه‌های اسلامی

از آنجایی که مهم‌ترین عنصر تمایز هر بخش با دیگر بخش‌های اقتصادی، هدف‌هایی است که فعالان اقتصادی آن بخش دنبال می‌کنند، ابتدا ظرفیت آموزه‌های اسلامی برای تحقق چهار بخش اقتصادی براساس اهداف هر بخش بیان شده؛ سپس ویژگی‌های هر بخش با عناصر اصلی اقتصاد، مشخص می‌شوند. آنگاه تمایزهای هر بخش براساس هدف و عناصر دیگر در مقایسه با هم روشن می‌شود. عناصر موردنظر عبارت هستند از: مالکیت، آزادی اقتصادی، اصل رفتاری رقابت، اصل رفتاری تعاون، اصل رفتاری انحصار، سازوکار قیمت‌گذاری، جایگاه عوامل تولید، جایگاه و نقش دولت در آن بخش.

هدف: در فعالیت‌های اقتصادی، امکان پیگیری چهار نوع هدف وجود دارد که هر نوع از هدف، اقتضا می‌کند یک بخش در اقتصاد برای پیگیری آن هدف، تعریف شود. در ادامه، هر چهار نوع هدف و بخشی که برای پیگیری آن هدف، نیاز است، بیان می‌شود.

۱. فعالان اقتصادی در چارچوب احکام الزامی و حقوقی اسلامی حق دارند برای حداکثر نمودن منفعت مادی شخصی خود تلاش کنند. پی‌گیری این هدف در عرصه اقتصادی، بخش خصوصی را سامان می‌دهد. تفاوت پی‌گیری این هدف در نظام اقتصادی اسلام با پی‌گیری هدف در نظام سرمایه‌داری در مراعات امور ارزشی و واجبات یا ترک امور ضد ارزشی و محرّمات است؛

۲. بعضی فعالیت‌های اقتصادی به وسیله برخی فعالان به هدف رفع نیاز دیگران انجام می‌شود. این قبیل افراد دنبال سود مادی خود نیستند و منافع مادی این فعالیت‌ها نصیب دیگران به‌ویژه نیازمندان می‌شود؛ البته چون فعالان اقتصادی به حیات و پاداش اخروی باور دارند، کسب پاداش معنوی و ثواب اخروی نیز در شمار اهداف آنان است؛ چرا که این‌گونه فعالیت‌های اقتصادی نوعی سرمایه‌گذاری واقعی برای سود بیشتر در زندگی که اعم از زندگی دنیایی است، می‌باشد. براساس برخی آیات قرآن کریم اگر کسی یک عمل نیک انجام دهد، ده برابر پاداش می‌گیرد «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلًا» (انعام: ۱۶۰). قرض الحسنه، صدقات، هدایا، کمک‌های بلاعوض، نذورات و اوقاف از این قبیل هستند. مطلوبیت این قبیل فعالیت‌ها با هدف بیان‌شده برای کسانی که اندک آشنایی با آموزه‌های اسلامی دارند، چنان واضح است که نیاز به بیان هیچ آیه یا روایتی برای اثبات آن ندارد و به‌طور کامل با مبانی بینشی نظام اقتصادی اسلام مطابق است. این قبیل فعالیت‌ها، بخشی را در نظام اقتصادی اسلام سامان می‌دهد که می‌توان آن را اقتصاد بخش بدون سود یا خیرخواهانه نامید؛

۳. برخی افراد به انگیزه رفع نیاز خود و دیگر انسان‌ها به فعالیت اقتصادی می‌پردازند. این افراد می‌خواهند منافع فعالیت‌های اقتصادی نصیب دیگران نیز بشود. به همین جهت فعالیت‌های اقتصادی را طوری سامان می‌دهند که در مدیریت فرایند اقتصادی، مالکیت منابع تولیدی و محصول تولیدی همه فعالان اقتصادی به‌طور واقعی سهم و مشارکت و همکاری داشته باشند. این نوع فعالیت به نام اقتصاد تعاونی نامیده می‌شود. مشارکت واقعی در امور اقتصادی منافع اقتصادی همه افراد را بیشتر می‌کند. قرآن کریم تأکید می‌کند که انسان‌ها در امور نیک و تقوا با هم همکاری کنند «تعاونوا علی البرِّ و التقوی» (مائده: ۲). درباره هدف فعالان اقتصاد تعاونی دو نوع رویکرد مطرح است که براساس هر رویکرد، هدف از فعالیت اقتصادی مقداری متفاوت از رویکرد دیگری می‌شود:*

*. برای آشنایی بیشتر با این بحث، رک به: طالب، ۱۳۷۶، ص ۶۹ - ۷۷. شایان ذکر است که این دو رویکرد با مقداری بازسازی علمی در اینجا بیان شده است.

رویکرد اول: این رویکرد باور دارد که فعالیت‌های اقتصادی باید به‌گونه‌ای سامان‌دهی شوند تا فعالان اقتصاد تعاونی رفع نیازهای مادی خود و دیگر اعضای تعاونی را دنبال کنند و در ضمن عرصه اقتصادی باید عرصه بروز و نمود ارزش‌های اخلاقی و انسانی باشد و جایگاه انسان در فرایند اقتصادی ترفیع و منزلت سرمایه کاهش پیدا کند. آنان باور دارند که پیگیری سود مادی شخصی در فرایند اقتصادی به رقابت منتهی می‌شود و رقابت اقتصادی باعث کینه و دشمنی بین فعالان اقتصادی می‌شود؛ در حالی که اگر عرصه فعالیت اقتصادی عرصه بروز ارزش‌های اخلاقی و انسانی نشود، انسان‌ها هرگز به صلح، آرامش و رفاه واقعی نخواهند رسید.

تعاونگران با چه سازوکاری این هدف را در فرایند اقتصادی دنبال کنند؟ اندیشه‌وران این رویکرد، تعاونی‌های مصرف را اصیل می‌دانند و مدعی هستند که تعاونی‌های تولید باید در خدمت تعاونی‌های مصرف باشند و کالاهایی را تولید کنند که تعاونی‌های مصرف از آنان مطالبه می‌کنند. استدلال آنان این است که همه افراد بشر، اعم از کودک، سالخورده و ... مصرف‌کننده هستند؛ اما همه مردم تولیدکننده نیستند؛ بنابراین فعالیت اقتصادی باید به سمت رفع نیازهای مصرف‌کنندگان باشد. برای اینکه صلح و دوستی جایگزین کینه و دشمنی در فعالیت‌های اقتصادی شود، باید همکاری و مشارکت واقعی را نیز جایگزین رقابت کرد. این شرایط در صورتی محقق می‌شود که مصرف‌کنندگان، خود تولیدکنندگان کالاها باشند یا تولید تحت نظر مصرف‌کنندگان قرار گیرد. در این صورت واسطه‌های بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان حذف می‌شود و کالاها با قیمت عادلانه به دست مصرف‌کنندگان می‌رسد. به این صورت قدرت خرید مصرف‌کنندگان افزایش می‌یابد. تحقق چنین شرایطی نیازمند سه مرحله فعالیت اقتصادی است که در ادامه بیان می‌شود:

مرحله نخست: تعاونی‌های مصرف محلی براساس اصول تعاونی تشکیل می‌شوند. این تعاونی‌ها با جذب اعضای جدید و پدیدآوردن اتحادیه‌های تعاونی به مقدار کافی، توسعه می‌یابند. با خرید کالاها و فروش آنها مازاد فروش کسب می‌کنند؛

مرحله دوم: با استفاده از سرمایه‌های به‌دست آمده از راه مازاد فروش کالا و نیز فروش سهام و ... به تأسیس واحدهای تولیدی اقدام می‌شود تا با خرید مواد اولیه، کالاهایی که در تعاونی‌های مصرف عرضه می‌شود، به‌وسیله خود تعاونی‌ها تولید شود؛

مرحله سوم: در این مرحله تعاونی‌ها حتی اقدام به تولید مواد اولیه و خرید زمین و تولید

محصولات کشاورزی می‌کنند و محصولات نهایی را در اختیار تعاونی‌های مصرف و اعضای آن قرار می‌دهند.

با تحقق سه مرحله پیشین، تعاون و همکاری واقعی جایگزین رقابت می‌شود و صلح و دوستی بین فعالان اقتصاد تعاونی حاکم می‌شود و رقابت و کینه از بین می‌رود. در این وضعیت مصرف‌کنندگان کالاهای موردنیاز خود و دیگر اعضای تعاونی را تولید می‌کنند. هدف فعالان اقتصادی در اقتصاد بخش تعاونی، به گونه‌ای که بیان شد، رفع نیازهای مصرفی اعضای تعاونی است؛ یعنی هر فعال اقتصادی رفع نیازهای مصرفی خود و دیگر اعضای تعاونی را هدف خود قرار می‌دهد. در پیگیری این هدف و سامان‌دهی فعالیت‌های اقتصادی به گونه‌ای که بیان شد، کرامت انسان‌ها حفظ می‌شود و جایگاه وی ترفیع می‌یابد و ارزش‌های اخلاقی در روابط اقتصادی و اجتماعی نهادینه می‌شود.

شایان است که سازوکار تعیین قیمت کالاهای تولیدی، عرضه و تقاضای بازار است؛ بنابراین، تعاونگران هرچند در فعالیت‌های اقتصادی با هم رقابت نمی‌کنند؛ اما برای حفظ موقعیت خود باید مراقب بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی سرمایه‌داری باشند تا با انواع حيله‌ها آنان را از میدان فعالیت اقتصادی خارج نکنند. براساس سازوکار عرضه و تقاضای بازار وقتی کالاهای تولیدی به اعضای تعاونی‌های مصرف فروخته می‌شوند، تفاوت درآمدی براساس تفاوت قیمت تمام‌شده و قیمت فروش شکل می‌گیرد. این تفاوت درآمد، سود فروش شمرده نمی‌شود تا بین صاحبان سرمایه توزیع شود؛ بلکه به‌عنوان مازاد درآمد، حقوق نیروهای فعال اقتصادی در تعاونی‌های مصرف و تولید از آن پرداخت می‌شود. بخشی از آن به‌عنوان سود محدود به سرمایه‌های تعاونی تعلق می‌گیرد و مابقی به‌عنوان مازادبرگشتی به خریداران کالاها به میزان خریدشان، توزیع می‌شود یا با هماهنگی با اعضای تعاونی برای توسعه تعاونی‌ها اختصاص می‌یابد؛ بنابراین با گسترش فعالیت اقتصادی به شکل تعاونی به طوری که بیان شد، انگیزه پیگیری حداکثر سود مادی شخصی که سرچشمه بسیاری از نابسامانی‌های اقتصادی و اخلاقی است، تا حد فراوانی کنترل شده و فضیلت‌های اخلاقی در روابط اجتماعی و اقتصادی رشد و نهادینه می‌شود.

براساس هدف بیان‌شده و نیز سازوکار دنبال‌کردن آن، تردیدی نیست که اقتصاد تعاونی در عرض بخش خصوصی سرمایه‌داری است. در این بخش جایگاه همه فعالان اقتصادی -

اعضای تعاونی فعال در بخش توزیع و تولید - ترفیع و سرمایه تنزل می‌یابد و فلسفه تأسیس اقتصاد تعاونی به‌طور کامل محقق می‌شود.

آیا براساس موازین اسلامی چنین فعالیتی در عرض بخش‌های دیگر اقتصادی پذیرفته است؟ بررسی تفصیلی ابعاد آن، مجال دیگری را می‌طلبد؛ اما چنین فعالیت اقتصادی اگر براساس موازین اسلامی انجام شود و ضرری، غرری و ربوی نباشد و همه فعالان اقتصادی بدون اکراه و با رضایت به چنین فعالیتی ملحق شوند، به‌طور قطع مانعی از دید آموزه‌های اسلامی برای آن وجود ندارد.

رویکرد دوم: طرفداران این رویکرد باور دارند که فلسفه تأسیس اقتصاد تعاونی ترفیع جایگاه انسان در برابر سرمایه بوده است. تحقق این امر، با دنبال کردن سود در فعالیت‌های اقتصادی منافاتی ندارد. می‌توان فرایند اقتصادی را به‌گونه‌ای سامان‌دهی کرد که فعالان اقتصاد تعاونی در پی سود باشند و جایگاه آنان نیز در برابر سرمایه ترفیع پیدا کند و نیز عرصه اقتصادی، بستر تحقق ارزش‌های اخلاقی باشد. آنان تعاونی‌های تولید را مستقل از تعاونی‌های مصرف، اصیل می‌دانند. آنان مدعی هستند که نیروهای فعال اقتصادی به هدف تأمین سود خود و دیگر اعضای تعاونی تولید، با تجمیع سرمایه‌های خود واحدهای تولیدی تعاونی، تأسیس می‌کنند. در حقیقت هدف فعالان اقتصاد تعاونی تولید، حداکثر کردن سود خود و دیگر اعضای تعاونی است. برای تحقق این امر، مالکیت و مدیریت فرایند اقتصادی به‌گونه‌ای باید تعریف شود تا هم این هدف محقق شود و هم جایگاه فعالان واقعی اقتصادی در برابر سرمایه ترفیع پیدا کند و نیز عرصه اقتصادی، بستر بروز ارزش‌های اخلاقی باشد. آنان با مشارکت هم، تعاون و همکاری را جایگزین رقابت با هم می‌کنند. به این صورت کینه و دشمنی را که بر اثر رقابت بین آنان پدید می‌آید، از بین می‌برند. تعاونگران اقتصادی برای تحقق چنین فرایندی اصولی را تأسیس کرده‌اند که همه فعالان اقتصادی و نیز تمام تعاونی‌های تولیدی باید آنها را رعایت کنند. همچنین اتحادیه‌های تعاونی ملی ضمن انواع حمایت از این نوع تعاونی‌های تولیدی، نظارت لازم را با سازوکارهای مناسب در پیش می‌گیرند تا بین تعاونی‌های تولیدی رقابت اتفاق نیافتد؛ البته تعاونی‌های تولیدی، برای حفظ و پایداری خود باید مراقب بنگاه‌های تولیدی بخش

خصوصی سرمایه‌داری باشند تا به آنان آسیب نرسانند؛ بلکه برای بقا و توسعه اقتصاد تعاونی می‌توانند با بنگاه‌های تولیدی بخش خصوصی سرمایه‌داری رقابت کنند. آیا این نوع فعالیت اقتصادی در عرض اقتصاد بخش خصوصی سرمایه‌داری است یا می‌توان آن را نیز بخش خصوصی سرمایه‌داری نامید؟

برای پاسخ به این پرسش باید تمایزهای آن از جهت هدف و دیگر ویژگی‌ها با بخش خصوصی سرمایه‌داری مورد توجه قرار گیرد. چنانکه بیان شد، هدف فعالان اقتصادی دنبال کردن سود مادی خود و دیگر اعضای تعاونی تولیدی است. برای همین جهت مالکیت مشاعی و مدیریت فرایند اقتصادی به‌گونه‌ای تعریف می‌شود تا فعالان اقتصادی نتوانند فقط در پی سود مادی شخصی خود باشند؛ البته در ابتدای ورود به تعاونی تولید، ممکن است برخی اعضای تعاونی به این نتیجه برسند که با توجه به میزان امکانات اقتصادی خود، فقط با عضویت در تعاونی تولید می‌توانند سود خود را حداکثر کنند؛ اما پس از عضو شدن و به‌عنوان عضو تعاونی تولید نمی‌تواند به‌گونه‌ای رفتار کند تا فقط سود مادی شخصی خود را حداکثر کند؛ بلکه مالکیت و مدیریت فرایند اقتصادی به‌گونه‌ای است که باید سود خود و دیگر اعضا را هدف قرار دهد. در این نوع فعالیت اقتصادی جایگاه انسان و نیروهای فعال اقتصادی در برابر سرمایه ترفیع می‌یابد. در صورتی که در بخش خصوصی سرمایه‌داری جایگاه انسان در برابر سرمایه تنزل می‌یابد. در درون بخش خصوصی سرمایه‌داری فعالان اقتصادی با هم رقابت می‌کنند؛ اما در این نوع فعالیت اقتصادی تولیدی، فعالان اقتصادی با هم همکاری و تعاون دارند و رقابت با هم جایی ندارد. تمایزهای دیگری بین بخش خصوصی سرمایه‌داری و این نوع فعالیت اقتصادی تعاونی وجود دارد که در ادامه بیان می‌شود.

به نظر می‌رسد به جهت تفاوت هدف فعالان اقتصادی و دیگر تمایزها، می‌توان این نوع فعالیت اقتصادی را در عرض اقتصاد بخش خصوصی سرمایه‌داری تعریف کرد. اگر به این نوع فعالیت اقتصادی، فعالیت اقتصادی بخش خصوصی گفته شود، باید اقتصاد بخش خصوصی به دو نوع تقسیم شود و آنها را متناسب با هدف فعالان اقتصادی و دیگر ویژگی‌ها به اقتصاد بخش خصوصی سرمایه‌محور و اقتصاد بخش خصوصی انسان‌محور نام‌گذاری کرد.

۴. در کنار سه هدف پیشین، برخی فعالیت‌های اقتصادی در بستر ملی باید انجام شود تا رفاه عموم مردم تأمین شود. این فعالیت‌ها؛ مانند: سرمایه‌گذاری در انرژی هسته‌ای یا فراهم کردن زیرساخت‌های فیزیکی اقتصادی است یا برخی افراد در جامعه با مریضی یا علیل مادرزاد روبه‌رو هستند و کمک‌های مردمی بلاعوض؛ مانند: صدقه، هدیه و ... برای رفع نیاز آنان کفایت نمی‌کند یا حتی برخی افراد کار و کوشش می‌کنند؛ اما درآمد آنان در حد کفاف نیست. در این گونه موارد لازم است دولت به فعالیت اقتصادی در تولید یا توزیع پردازد تا رفاه آنان نیز تأمین شود. این قبیل سرمایه‌گذاری چه بسا سودی در پی نداشته باشد؛ اما برای تأمین رفاه عمومی باید انجام پذیرد. همچنین بخشی از وظایف اقتصادی دولت سامان‌دهی اقتصادی سه بخش دیگر اقتصادی است تا رفاه برای عموم مردم فراهم شود؛ بنابراین بخشی از فعالیت اقتصادی به وسیله دولت، فقط برای تأمین رفاه عموم مردم انجام می‌شود که به آن بخش از فعالیت‌ها، اقتصاد بخش دولتی گفته می‌شود. لزوم این بخش، با توجه به منابع مالی گسترده در اختیار دولت؛ مانند: خمس، زکات، انفال و نیز وظایف اقتصادی که برای دولت اسلامی تعیین شده، آشکار است (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۴۳۵-۴۶۹).

ویژگی‌های بخش‌های نظام اقتصادی اسلام

الف) ویژگی‌های اقتصاد بخش خصوصی

آزادی اقتصادی: فعالان اقتصادی، برای پیگیری منافع مادی شخصی خود آزاد هستند؛ البته همه فعالان اقتصادی در بهره‌مندی از این آزادی، یک‌سری محدودیت‌هایی که در اسلام مسلّم است، باید مراعات کنند؛ مانند: ممنوعیت معامله‌های ربوی، ضرری، غرری و اکل مال به باطل. به عبارت دیگر، اصل آزادی با روش امضا و تأیید که روش پذیرفته‌شده در فقه اسلامی است با تقیید برخی موارد، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

مالکیت: افراد در تحصیل مالکیت، باید امور واجب و حرام شرعی را مراعات کنند. وقتی حداکثر کردن منافع مادی شخصی، هدف تلقی شود و مردم در راه کسب آن نیز آزادی داشته باشند، به‌طور طبیعی مالکیت فردی برای همه و به هر مقداری که با مراعات امور واجب و

حرام شرعی تحصیل شده باشد، مجاز است و هیچ دلیلی برای عدم امضا این نوع مالکیت وجود ندارد؛ بلکه ادله‌ای مانند «الناس مسلطون علی اموالهم» به طور مؤید آن است.

رقابت اقتصادی: اصل رفتاری رقابت در اقتصاد بخش خصوصی غیرقابل انکار است. با توجه به هدف، آزادی اقتصادی و مالکیت خصوصی، رقابت به گونه‌ای که هر کس منافع مادی شخصی خود را حداکثر کند، هر چند با خارج کردن دیگران از عرصه فعالیت اقتصادی تا حدی که این رفتار ضرری، غرری، ربوی و ... نباشد، مجاز است. این اصل رفتاری نیز با مراعات قیده‌های بیان‌شده، مورد تأیید و امضای آموزه‌های اسلامی قرار می‌گیرد.

وقوع انحصار: با توجه به هدف، اصل آزادی، رقابت اقتصادی و مالکیت خصوصی، پذیرش انحصار در صورتی که قواعد عامه فقهی پیشین رعایت شود، توجیه‌پذیر است؛ البته اگر دلیل خاصی بر عدم جواز رفتار انحصارگرانه وجود داشته باشد، باید به آن ملتزم شد.

سازوکار قیمت‌گذاری: عرضه و تقاضای بازار، قیمت کالاها و خدمات را تعیین می‌کند. تولیدکننده چیزی را تولید می‌کند که برای آن تقاضای مؤثر وجود داشته باشد. چون وی حق دارد در چارچوب قاعده‌های فقهی بیان‌شده هر نوع کالا و خدمتی که برای آن تقاضای مؤثر وجود داشته باشد، آن را تولید و به بازار عرضه کند و از وضعیت بازار حداکثر استفاده را بکند.

جایگاه عوامل تولید: جایگاه انسان و سرمایه و فرایند مدیریتی اگر براساس قواعد عامه فقهی بیان‌شده، سامان یابد، از دید دستگاه فقه اسلامی بی‌اشکال است. نیروی کار با عرضه کار خود به بازار کار و براساس میزان تقاضایی که برای هر قشری از نیروی کار وجود دارد، قیمت آن با رضایت طرفین عرضه‌کننده و تقاضاکننده مشخص می‌شود و توافق و قرارداد بین صاحب سرمایه و نیروی کار اتفاق می‌افتد. طرفین به مقتضای «اوفوا بالعقود» به رعایت مفاد قرارداد ملزم هستند؛ بنابراین جایگاه سرمایه و نیروی کار با رعایت قواعد عامه فقهی؛ مانند: جایگاه آنان در نظام سرمایه‌داری است.

جایگاه و نقش دولت در این بخش: با توجه به اینکه اهداف فعالان اقتصادی و دیگر ویژگی‌های این بخش مورد قبول آموزه‌های اسلامی است، دولت باید در جهت تأمین اهداف فعالان اقتصادی این بخش بکوشد و سیاست‌های اقتصادی درباره این بخش نیز باید به گونه‌ای باشد تا فعالان اقتصادی را به هدفشان نزدیک کند. در حقیقت جایگاه دولت

نسبت به این بخش، جایگاه خدمتگزاری است؛ البته دولت با توجه به وظایف عمومی‌اش در اقتصاد باید مانع ارتکاب فعالان این بخش نسبت به محرمات و ترک واجباتشان شود.

ب) ویژگی‌های اقتصاد بخش بدون سود (خیرخواهانه)

۱. در اقتصاد بخش بدون سود، مالکیت سرمایه و ابزار تولید، خصوصی و انفرادی است؛ هر چند امکان مشاعی بودن آن منتفی نیست. به‌طور معمول افراد با امکانات اقتصادی که در اختیار دارند، برای رفع نیازهای دیگران اقدام می‌کنند. هر چند ممکن است افراد امکانات اقتصادی خود را روی هم قرار دهند و واحدهای تولیدی یا آموزشی پدید آورند و در آن واحدها به‌صورت مشاع مالک باشند؛

۲. در این بخش، منافع مادی حاصله، به‌طور عموم به دیگران می‌رسد؛

۳. فعالیت اقتصادی در بخش خیرخواهانه، به‌طور معمول در ابتدا، ادامه و خاتمه اختیاری و داوطلبانه است. هر فعال اقتصادی در این بخش هرگاه اراده کند، می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی خود را متوقف کند و تمام سرمایه‌های خود را که به این بخش اختصاص داده و تحت مالکیتش است از ادامه به‌کارگیری، باز دارد؛ مگر آنکه داوطلبانه به عدم چنین امری ملتزم شود؛

۴. اقتصاد بخش خیرخواهانه، بدون ضمانت قانونی است. هیچ‌کس حق ندارد برای فعالان این بخش در نوع و مقدار فعالیت خیرخواهانه تکلیفی را مشخص کند. فقط ضمانت اجرایی، تعهد افراد به ارزش‌های اخلاقی است و نمی‌توان برای منابع آن برنامه‌ریزی دقیق کرد؛

۵. در بخش اقتصاد خیرخواهانه، اگر رقابت اتفاق بیفتد، برای کسب ثواب و اجر معنوی بیشتر است؛

۶. نقش دولت در اقتصاد خیرخواهانه، فقط تبلیغ و تشویق است؛ هر چند می‌تواند نقش حمایتی و نهادسازی داشته باشد. منابع اقتصادی بخش خیرخواهانه به‌طور کامل غیردولتی است؛ زیرا از ویژگی‌های فعالیت خیرخواهانه آن است که منابع، تعلق حقیقی به افراد داشته و آنان حق داشته باشند آن منابع را به دلخواه خود مصرف کنند.

چنانکه اشاره شد، به‌رغم کوشش‌های فراوانی که در چند دهه اخیر برای نهادینه‌کردن ارزش‌های اخلاقی در سطح بین‌المللی و در کشورهای اسلامی صورت گرفته است؛ اما آموزه‌های نظام سرمایه‌داری مسلط بر اقتصاد جهانی مانع از نهادینه‌شدن ارزش‌های اخلاقی در فعالیت‌های اقتصادی در سطح گسترده و بین‌المللی شده است؛ بنابراین کامیابی مورد انتظار در این‌باره در کشورهای اسلامی و غیراسلامی حاصل نشده و اقتصاد بین‌المللی با بحران روبه‌رو شده و فقر و شکاف طبقاتی گسترده‌تر شده است.

گرچه برخی محققان اقتصاد اسلامی، اشکال اساسی عدم کامیابی اقتصاد بخش بدون سود در حل مشکل فقر را در جوامع اسلامی، عدم وجود یک نظام کارآمد برای تجهیز و تخصیص بهینه منابع مالی این بخش می‌داند و باور دارند که اگر نظام درستی وجود داشته باشد، می‌توان به اهداف توسعه کمک کرد و هم فقر را کاهش داد (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۴-۳۶۷).

در قرآن کریم، آیات فراوانی و نیز در بیان امامان معصوم علیهم‌السلام روایت‌های بسیاری بر این نوع فعالیت‌های خیرخواهانه تأکید دارند و سیره همه امام معصوم علیهم‌السلام، به‌ویژه امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در این‌باره الگوی بسیار مطلوبی است (یوسفی، ۱۳۸۶، صص ۲۱۲-۲۱۵ و ۲۲۲-۲۴۰).

به‌رغم مطالب بیان‌شده، به‌نظر می‌رسد مشکل اصلی بشر - رفع کامل فقر - با وجود این سه بخش اقتصادی به دلایل ذیل به‌صورت کامل حل نمی‌شود:

۱. دور بودن مبانی بینشی و ارزشی نظام اقتصادی مسلط بر جهان از ارزش‌های اخلاقی، امیدی به نهادینه‌شدن ارزش‌های اخلاقی در عرصه اقتصادی باقی نمی‌گذارد. براساس تصریح بزرگترین مدعیان این نظام؛ مانند: کینز امور ارزشی و اخلاقی، بد و امور ضد ارزشی و اخلاقی، خوب است (فرسون، ۱۳۶۹، ص ۱۲۲ - ۱۲۳)؛ البته با نابودی نظام سرمایه‌داری و جایگزینی نظام اقتصادی اسلام، می‌توان امید بیشتری به این امر داشت؛

۲. از آنجایی که سود مادی، لذت بالفعل دارد و حب دنیا انسان‌ها را به‌طور دائم در معرض غفلت از حق قرار می‌دهد، عمل به ارزش‌های اخلاقی در عرصه اقتصادی در سطح بین‌المللی بعید است به‌گونه‌ای فراگیر شود که مشکل اقتصادی بشر را حل کند؛

۳. تضعیف انگیزه فعالیت اقتصادی در برخی افرادی که از اقتصاد صدقه‌ای بهره‌مند می‌شوند؛

۴. عمل به ارزش‌های اخلاقی، هر مقداری هم اتفاق بیافتد، امید به پایداری آن بالا نیست، چون ضمانت قانونی و اجرایی ندارد؛

۵. به رغم وجود مؤمنان ثروتمند و منابع فراوان مالی در برخی کشورهای اسلامی؛ اما در هیچ کشوری رفع نسبی فقر به صورت پایدار مشاهده نمی شود. دلایل پیشین، هیچ گاه از اهمیت اقتصاد بخش خیرخواهانه نمی کاهد؛ بلکه مسئله اصلی توجه واقعی به ظرفیت این بخش در حل ریشه‌ای مشکل فقر در دنیای فعلی است. به طور قطع اقتصاد بخش خیرخواهانه برای رفع فقر افرادی که علیل به دنیا می آیند یا بر اثر مریضی توان کار را از دست می دهند یا به علت حوادث غیرمترقبه دچار فقر و تنگدستی می شوند، امری ضروری براساس آموزه‌های اسلامی است؛ اما اگر در نظام اقتصادی، نوعی کاستی وجود داشته باشد که سرچشمه فقر شود، در این صورت، باید آن کاستی را برطرف کرد. به نظر می رسد این کاستی با تأسیس اقتصاد بخش تعاونی براساس آموزه‌های اسلامی قابل حل باشد.

در ادامه، ویژگی‌ها و اصول اقتصاد بخش تعاونی از دید اسلام با اصلاح، تغییر و اضافاتی در ویژگی و اصول اقتصاد تعاونی، بیان و با تأییدات لازم ارایه می شود؛ سپس ضمانت اجرایی آن ارایه شده که ضمن آن، تمایزهای اقتصاد تعاونی با سه بخش دیگر مشخص می شود.

ج) ویژگی‌های اقتصاد بخش تعاونی

بنیان اساسی اقتصاد تعاونی، ترفیع جایگاه نیروی کار در برابر سرمایه است. منطق و مبنای اقتصاد تعاونی در اسلام آن است که تمام نعمت‌های الهی برای همه انسان‌ها آفریده شده‌اند. سرمایه نیز نعمت اقتصادی الهی و عقیم نیست؛ اما باید به گونه‌ای عمل شود تا همه انسان‌ها از این نعمت الهی بهره‌مند شوند. این الگو اصول و ارزش‌های هم‌سو با هدف‌های فعالان اقتصادی داشته و نیز مبانی بینشی به‌عنوان پایه و تکیه‌گاه اصول و ارزش‌ها، و ضمانت اجرایی حقوقی و قانونی دارد و بدون نفی سه بخش دیگر اقتصاد، فعالیت می کند. اقتصاد چهاربخشی را شکل می دهد، همان طور که می تواند جایگزین سه بخش دیگر شود. ویژگی‌های اقتصاد بخش تعاونی در اسلام به شرح ذیل است:

رعایت ارزش‌های اخلاقی؛ مانند: صداقت، وفاداری و انصاف جزء ماهیت اقتصاد تعاونی است. آموزه‌های اسلامی ضمن پذیرش ارزش‌های اخلاقی، بر رعایت آنها از جمله

صداقت (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۰۴، بَابُ الصَّدْقِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ)، وفاداری (اسراء: ۳۴ / مائده: ۱) و انصاف (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، باب الانصاف و العدل، ص ۱۴۴-۱۴۸ / نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۱۱، ح ۱۳۱۲۶) تأکید فراوانی دارند.

۲. در اقتصاد تعاونی، انسان، محور اصلی تمام فعالیت‌ها است. نیروی کار، مالک و مدیر است. میزان مالکیت هر یک از نیروی کار به‌گونه‌ای نیست که به وی در برابر دیگر نیروی‌های کار، حق مدیریت بیشتری بدهد یا اگر مالکیت بیشتری دارد، این تفاوت مالکیت، سرچشمه تفاوت حق رای و مدیریت بیشتر برای وی نمی‌شود (ویچ، ۱۳۴۷، ص ۱۹۴-۲۰۶).

انسان از دید اسلام جایگاه رفیعی دارد. قرآن کریم تصریح می‌کند که انسان جانشین خداوند متعال ﷻ روی زمین و مسئول در برابر وی است؛ چنانکه می‌فرماید: «أَنْتَ جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و «هُوَ الَّذِي جَعَلَكَ خَلِيفَةَ فِي الْأَرْضِ» (انعام: ۱۶۵). در آیاتی از قرآن کریم حفظ کرامت انسانی مورد تأکید قرار گرفته است: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰). در برخی آیات قرآن کریم تصریح شده است که تمام نعمت‌های الهی برای انسان آفریده شده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره: ۲۹)؛ بنابراین سرمایه و تمام نعمت‌های الهی برای انسان آفریده شده است و باید در خدمت انسان باشند. فقط کسانی که به این جایگاه باور دارند، حاضر هستند اراده خدا را در تولید و توزیع در تعاونی به رسمیت بشناسند و جایگاه اصلی را در فعالیت اقتصادی به انسان بدهند.

با توجه به مبانی قرآنی و روایی درباره جایگاه انسان در عالم آفرینش می‌توان مطالب ذیل را نتیجه گرفت:

۱. در هیچ آیه و روایتی بیان نشده که این جایگاه به برخی انسان‌ها اختصاص دارد و دیگران از آن بی‌بهره هستند؛
۲. هیچ تخصیص و استثنایی وجود ندارد که آن جایگاه رفیع فقط در عرصه مثلاً اخلاقی و عرفانی است و شامل اقتصاد نمی‌شود؛ بلکه همه انسان‌ها در تمام عرصه‌ها منزلت والایی دارند؛
۳. هیچ تخصیص و استثنایی وجود ندارد که دلالت کند برخی از انسان‌ها حق بهره‌مندی از نعمت‌های الهی را دارند و دیگران چنین حقی را ندارند.

این نوع نگاه به انسان و سرمایه، نگاهی به‌طور کامل متفاوت از نگاه نظام سرمایه‌داری است. اسلام، انسان را محور و سرمایه و دولت را در حاشیه و در خدمت انسان قرار

می‌دهد. متناسب با این نوع نگاه، انسان و نیروی کار باید مالک منابع و محصول تولیدی، مدیر فرایند اقتصادی، متناسب با توان و تخصص خود بهره‌مند از دستمزد ثابت، و متناسب با میزان سهم مالکیت منابع تولیدی، از سهم سود بهره‌مند شود. افزون بر آنها، مازاد برگشتی به نیروی کار، براساس میزان نقشی که وی در تولید دارد، اختصاص می‌یابد. جایگاه انسان و نیروی کار در چنین اقتصادی ترفیع و جایگاه سرمایه و سرمایه‌داری، تنزل می‌یابد.

۳. استقرار روابط حسنه بین سازمان‌های وابسته و نیز ترویج روابط دوستانه اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی دو هدف اقتصاد تعاونی است (ویج، ۱۳۴۷، ص ۲۶ - ۲۷).

آموزه‌های اسلامی برای تحقق روابط حسنه در عرصه اقتصادی بر این قبیل قواعد رفتاری تأکید می‌کنند: اخوت، انسان‌دوستی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، هم‌یاری، انصاف، وفاداری، مدارا، امانتداری، صداقت و حسن خلق؛ بنابراین اگر اقتصاد تعاونی با اجرایی‌کردن اصول خود به تحقق این ارزش‌ها کمک کند، به یقین هم‌سویی بیشتری با آموزه‌های اسلامی دارد.

۴. در اقتصاد تعاونی مالکیت فردی طرد نمی‌شود؛ اما مالکیت فردی در قالب یک گروه اجتماعی مورد تأکید است. مالکیت، به ضرورت مشاعی و محدود است. در صورتی که مالکیت برخی از اعضا نسبت به دیگران بیشتر باشد، این امر برای آنها حق رأی و مدیریت بیشتری پدید نمی‌آورد؛ چون در این صورت، جایگاه انسان به مرور تنزل می‌یابد (همان، ص ۱۹۴ - ۲۰۶).

تردیدی نیست که هر دو نوع مالکیت فردی مشاعی و غیرمشاعی مورد تأیید آموزه‌های اسلامی است؛ اما آنچه در اقتصاد تعاونی اهمیت دارد نفی سرمایه‌سالاری و ترفیع جایگاه انسان در فرایند فعالیت‌های اقتصادی است که پیش‌تر اهمیت این مسئله براساس آموزه‌های اسلامی بیان شد.

۵. در اقتصاد تعاونی، رفتار انحصارگرانه مورد قبول نیست. رفتار انحصارگرانه با اصل رفتاری تعاون ناسازگار است. ادله و شواهد فراوانی بر نامطلوب‌بودن رفتار انحصارگرانه براساس آموزه‌های اسلامی وجود دارد (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۳۶۵ - ۳۷۲). به یک نمونه آن اشاره می‌شود؛ «میر مؤمنان علی علیه السلام درباره مفاسد اخلاقی، اجتماعی و سیاسی انحصار می‌فرماید: «انحصار و اختصاص امکانات به خود، باعث حسد دیگران، و حسد باعث دشمنی، دشمنی

سبب اختلاف، اختلاف باعث جدایی، جدایی سبب ضعف، ضعف باعث خوار شدن، و خواری و ذلت باعث از بین رفتن دولت و نعمت می‌شود (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۴م، ص ۳۴۵).

اصول اقتصاد بخش تعاونی از دید اسلام

این اصول برای تحقق ویژگی‌های اقتصاد تعاونی تأسیس شده است:

۱. اتحاد و همکاری: همه تعاونگران، رفع و ارضای حوایج خود و دیگران را از راه همکاری و اتحاد بر راه‌ها و وسایل فردی ترجیح می‌دهند (معاونت تحقیقات و آموزش و ترویج دفتر تحقیقات وزارت تعاون، ۱۳۷۷، ص ۸).

آیات قرآن کریم بر اتحاد و همکاری در همه امور تأکید دارند: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا (آل‌عمران: ۱۰۳)؛ همگی به ريسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید». قرآن کریم تأکید دارد که امور دنیایی هرگز نمی‌تواند باعث وحدت و همبستگی پایدار بین مردم شود: «لو انفقت ما فی الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم و لكن الله آلف بينهم (انفال: ۶۳)؛ [ای پیامبر] اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می‌کردی که میان آنان الفت دهی، نمی‌توانستی؛ اما خداوند متعال میان آنان الفت پدید آورد.

طبیعی است اگر وحدت و همکاری فقط برای رسیدن به امور مادی شخصی باشد، افرادی که در چرخه وحدت قرار گیرند هر موقع احساس کنند که تفرقه‌انداختن و گسستن ريسمان همبستگی، آنها را به منافع مادیشان می‌رساند، کوشش خواهند کرد تا وحدت موجود را به هم بریزند. این‌گونه وحدت هرگز مورد نظر اقتصاد بخش تعاونی از دید اسلام نیست؛ بنابراین اقتصاد تعاونی اگر بخواهد بین تعاون‌طلبان، همبستگی پایدار پدید آورد، به ناچار باید از امور معنوی و الهی بهره‌مند شود.

۲. مشارکت اقتصادی اعضا: تمام فعالان اقتصادی، سهامداران بنگاه اقتصادی هستند. این امر باعث می‌شود تا در دوران رونق اقتصادی، همه فعالان اقتصادی به میزان کوشش خود از سود دوران رونق بهره‌مند شوند و در دوران روکود اقتصادی از کار اخراج نشوند؛ بلکه با کوشش فراوان و بهره‌مندی کمتر، موقعیت اقتصادی خود را حفظ کنند.

۳. همکاری و مشارکت بین بنگاه‌های اقتصادی: عمل به این اصل باعث گسترش اقتصاد تعاونی در عرصه ملی؛ بلکه بین‌المللی می‌شود. این اصل مانع وقوع رقابت به شکل رقابت

در نظام سرمایه‌داری می‌شود. اگر اقتصاد تعاونی به سوی رقابت روی آورد، برای نابودی رقبای خود نخواهد بود؛ بلکه فقط برای حفظ موقعیت خود در برابر بنگاه‌های اقتصادی سرمایه‌داری است.

براساس آموزه‌های اقتصاد اسلامی رقابت داروینیستی مجاز نیست؛ اما اصل رقابت اقتصادی حق همه فعالان اقتصادی است. تعاونگران در کنار حق بهره‌مندی از رقابت اقتصادی، با تکالیف و مسئولیت‌هایی روبه‌رو هستند که عمل به آنها را بر خود لازم می‌دانند و برای تحقق آن مسئولیت‌ها نیز ضمانت‌هایی در اقتصاد تعاونی پیش‌بینی شده است (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۷-۳۸۱).

۴. مسئولیت‌پذیری و دگرخواهی: براساس اصل رفتاری تعاون، توجه به جامعه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دگرخواهی یکی از اصول اقتصاد تعاونی است. همه فعالان اقتصادی می‌کوشند تا اقتصاد تعاونی فراگیر شود و همه افراد با اندک سرمایه، به این کاروان ملحق شوند و حتی بخشی از سود بنگاه‌های اقتصادی برای توسعه اقتصاد تعاونی اختصاص پیدا می‌کند (معاونت تحقیقات و آموزش و ترویج دفتر تحقیقات وزارت تعاون، ۱۳۷۷، ۸).

از دید آموزه‌های اسلامی تردیدی در تأیید اصل رفتاری تعاون و مسئولیت‌های اجتماعی افراد نسبت به هم وجود ندارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنان فراوانی مردم را خطاب قرار داده و به مسئولیت آنان در برابر هم تأکید کرده‌اند: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة» (بخاری، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۱۶۰ / مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۷۵، ص ۳۸)؛ همه شما نگهبان هستید و همه شما در برابر مردم مسئول هستید». همچنین وی در گفتار دیگری برای اهتمام به امور مسلمانان فرمود: «من اصبح و لایهتّم بامور المسلمین فلیس منهم» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۴)؛ هر کس صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان شمرده نمی‌شود».

۵. در اقتصاد تعاونی سود هر واحد سهام محدود و اندک است. صاحبان سرمایه همان نیروهای کار در واحدهای اقتصادی هستند. پس از دریافت دستمزد ثابت و سود محدود سهام، مازاد برگشتی به میزان کوشش افراد و نقش آنان در فرایند اقتصادی، بینشان توزیع می‌شود (ویج، ۱۳۴۷، ص ۱۹۴-۲۰۶). این اصل تعاونی نیز به جهت ترفیع جایگاه انسان در فعالیت‌های اقتصادی است که مورد تأکید آموزه‌های قرآنی است.

۶. تخصیص مازاد بازگشتی به نیروی کار براساس تخصص و بهره‌وری نیروی کار یا بر پایه میزان فعالیت اقتصادی: براساس آموزه‌های نظام سرمایه‌داری، سود و مازاد بازگشتی تماماً مال سرمایه است و به نیروی کار متخصص و غیرمتخصص دستمزد ثابتی تعلق می‌گیرد. این امر انگیزه کوشش نیروی کار متخصص را کاهش می‌دهد. بر پایه آموزه‌های نظام سوسیالیسم همه باید به مقدار توان، کوشش و به میزان نیاز، بهره‌مند شوند. در کاهش انگیزه در این نظام، هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد (ر.ک به: طالب، ۱۳۷۶ / آموزش و ترویج دفتر تحقیقات وزارت تعاون، ۱۳۷۷، ص ۸-۱۰).

در آموزه‌های اسلامی، یکی از معامله‌هایی که مکروه شمرده شده، اجیرشدن انسان است. در این باره هم فتوای فقیهان اسلام صریح است (طوسی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۴۵ / فیض کاشانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷، ص ۱۴۸) و هم روایت‌های فراوانی وارد شده است (حرّ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷، ص ۲۳۸). امام صادق علیه السلام در یکی از روایت‌ها، علت اقتصادی کراهت اجیرشدن را چنین بیان می‌فرماید:

مَنْ آجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ خَطَرَ عَلَيْهَا الرِّزْقَ وَ كَيْفَ لَا يَخْطُرُ عَلَيْهَا الرِّزْقَ وَ مَا أَصَابَهُ فَهُوَ لِرَبِّ آجْرَهُ
(همان، ج ۱۷، ص ۲۳۹).

هر انسانی خود را در کاری اجیر کند، روزی را بر خود ممنوع کرده است. چگونه چنین انسانی روزی را بر خود ممنوع نکرده؛ در حالی که نتیجه زحمتش مال کسی است که وی را اجیر کرده است.

بهترین شکل مشارکت که جایگاه انسان در فعالیت اقتصادی ترفیع یابد، تحقق بخش اقتصاد تعاونی است.

۷. حق عضویت اختیاری و آزاد همه افراد جامعه: فعالان اقتصاد تعاونی، ضمن بهره‌مندی از حق آزادی، در برابر دیگران که علاقه‌مند به فعالیت اقتصادی به صورت تعاونی هستند، مسئولیت‌های حقوقی و اخلاقی دارند؛ بنابراین آزادی اقتصادی، آزادی مسئولانه و تکلیف‌مدارانه است (همان، ص ۳۴۱). در اقتصاد تعاونی برای تحقق مسئولیت‌ها و تکالیف اقتصادی در برابر دیگران، ضمانت‌هایی وجود دارد که در ادامه بیان می‌شود.

۸. هر نفر یک رأی: اعمال حق مدیریت و نظارت به وسیله تمام اعضا از راه رأی هر نفر محقق می‌شود نه مدیریت و نظارت براساس میزان مالکیت سرمایه. مطابق با این اصل،

منزلت انسان در فعالیت‌های اقتصادی بالا می‌رود و جایگاه سرمایه نسبت به جایگاه آن در نظام سرمایه‌داری، تنزک می‌یابد.

۹. خودگردانی و استقلال و عدم وابستگی حتی به دولت: این امر باعث خلاقیت و ابتکار همه نیروی‌های کار می‌شود و به معنای واقعی اقتصاد به دست بخش خصوصی و همه مردم سپرده می‌شود.

۱۰. آموزش، کارورزی و اطلاع‌رسانی به همه اعضا و افراد علاقه‌مند به فعالیت تعاونی: این امر به معنای واقعی، اقتصاد دانش‌محور را عمومی و فراگیر می‌کند و باعث می‌شود تا تمام نیروی‌های کار در همه بخش‌های اقتصادی از دانش لازم روز برای تولید برخوردار شوند.

ضمانت اجرایی و قانونی اقتصاد تعاونی

آنچه در این بحث دنبال می‌شود ضمانت اجرایی و قانونی اقتصاد تعاونی واقعی در پدیدساختن، توسعه و بقاء است؛ البته شایان ذکر است که این تحقیق مدعی نیست که ضمانت اجرایی و قانونی آن در همه موارد و شقوق به صورت کامل و تام است؛ بلکه حداقل ادعای تحقیق آن است که با توجه به موفقیت قطعی تاریخی اقتصاد تعاونی واقعی و نیز مزایای جایگاه نظری آن در رفع فقر و ترفیع منزلت انسان و توسعه مالکیت‌ها و سهیم‌شدن انسان در مدیریت و ...، می‌توان به شواهد ذیل مدعی شد که ضمانت اجرایی و قانونی آن نسبت به بخش خیرخواهانه محکم‌تر است و در عین حال نافی بخش خیرخواهانه و دو بخش دیگر اقتصاد نیست:

۱. فعالان اقتصاد بخش تعاونی از فعالیت اقتصادی خود سود و منفعت کسب می‌کنند؛ بلکه با توجه به ویژگی‌های بیان‌شده برای تعاونی‌های واقعی، مجموع منافع حاصله در این نوع فعالیت، از دو بخش دیگر اقتصاد بیشتر خواهد بود. این امر هم باعث ورود افراد فراوان‌تری به این بخش می‌شود و همچنین، دوام فعالیت‌های اقتصادی را نسبت به بخش اقتصاد بدون سود بیشتر می‌کند؛

۲. پشتوانه معنوی و خیرخواهانه تماماً می‌تواند در اقتصاد بخش تعاونی نیز وجود داشته باشد؛ بلکه پایداری این انگیزه در اقتصاد بخش تعاونی بیشتر است؛ چون سود مادی فعالان اقتصادی با اقدام‌های خیرخواهانه کاهش نمی‌کند و چه بسا ممکن است افزایش کند؛ زیرا اگر به انگیزه خیرخواهانه و بهره‌مندی دیگران، به توسعه فعالیت اقتصادی اقدام

کنند و نیرو و سرمایه جدید جذب کنند، ممکن است بهره‌مندی خودشان نیز بیشتر شود. این امر به یقین قوام و پایداری این اقدام‌ها را بیشتر می‌کند.

۳. قطع همکاری حق فعالان اقتصادی است؛ اما در صورتی که فردی متقاضی قطع همکاری بوده و آورده سرمایه‌اش قابل توجه باشد، زمان و چگونگی قطع همکاری را هیئت مدیره، بررسی و اعلام می‌کند تا به فعالیت اقتصادی صدمه وارد نشود؛

۴. مهم‌ترین عامل ضمانت اجرایی و قانونی در اقتصاد تعاونی، حمایت و نظارت اتحادیه تعاونی است. تمام فعالیت‌های اقتصادی هر صنفی تحت حمایت و نظارت اتحادیه‌های تعاونی همان صنف قرار می‌گیرند و تعاونی‌های صنوف گوناگون تحت حمایت و نظارت اتحادیه تعاونی ملی قرار دارند و تمام اتحادیه‌های تعاونی ملت‌ها تحت حمایت و نظارت اتحادیه بین‌المللی تعاون قرار می‌گیرند. اتحادیه‌های تعاونی، انواع حمایت از اقتصاد بخش تعاونی را بر عهده دارند. این حمایت‌ها، مانند: حمایت‌های بازاریابی، آموزش، اطلاع‌رسانی، مدیریتی و ... هستند. در برابر این حمایت‌ها، فعالان اقتصاد بخش تعاونی نیز متعهد و مکلف به رعایت اصول و ارزش‌های تعاونی و تمام اموری هستند که ضمن پی‌گیری منافع مادی خود، جایگاه انسان را در برابر سرمایه در فعالیت‌های اقتصادی ترفیع ببخشند (وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲، ص ۲۳۷-۲۴۸؛ ویج، ۱۳۴۷، صص ۲۶ و ۱۶۰ / وزارت تعاون، ۱۳۷۷، ص ۱۵).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به‌عنوان نتیجه بحث‌های پیشین، این بحث ارایه می‌شود:

۱. آموزه‌های اسلامی به لحاظ نظری ظرفیت لازم برای ارایه چهار بخش اقتصاد را دارند و با توجه به ویژگی‌های اقتصاد بخش تعاونی و تمایزهای آن با سه بخش دیگر، می‌توان آن را بخش دیگری از فعالیت‌های اقتصادی دانست یا به‌عنوان بخش خصوصی انسان‌محور نامید؛
۲. به اجمال بیان شد که مشکل اساسی اقتصاد - سهم واقعی نیروی کار و سرمایه از محصول تولیدی - را اقتصاد بخش تعاونی می‌تواند حل کند. در عین حال می‌تواند در کنار سه بخش دیگر، سامان‌دهی شود و برای حل مشکل اصلی، اقتصاد مختلط چهاربخشی را سامان دهد؛ همچنین می‌تواند جایگزین بخش‌های دیگر شود؛

۳. از آنجایی که رفاه عمومی و عدالت اقتصادی هدف نظام اقتصادی اسلام است، با توجه به اینکه اقتصاد بخش تعاونی نسبت به اقتصاد بخش خصوصی سرمایه‌محور در وصول به این هدف بسیار موفق‌تر عمل می‌کند؛ لازم است دولت بر بخش خصوصی نظارت کامل کند؛ اما تمام امکانات اقتصادی خود را - ضمن حفظ استقلال اقتصاد بخش تعاونی - برای توسعه و حمایت این بخش به‌کار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. آربلاستر، آنتونی؛ ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب؛ ترجمه عباس مخبر؛ چ ۱، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۷.
۲. ابن‌ابی‌الحدید؛ شرح نهج‌البلاغه؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲۰، بیروت: داراحیاء الکتب العربیة، ۱۹۶۴م.
۳. استرول، پاپکین و ریچارد هنری و آروم؛ کلیات فلسفه؛ ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبی؛ چ ۱۰، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۴.
۴. آگوی، جیمز؛ «تاریخچه‌ای از علم اخلاق در جایگاه علمی اخلاقی»؛ ترجمه علی نعمتی؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۱۹، ۱۳۸۴.
۵. اموری، بوگاردوس؛ تعاون و اصول اولیه آن؛ ترجمه و نشر وزارت تعاون و امور روستاها؛ تهران: نشریه ۹۳، ۱۳۵۲.
۶. اوپل، پل روی؛ شرکت‌های تعاونی وضع فعلی و آینده آنها؛ ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور، چ ۱، تهران: ۱۳۴۹.
۷. بیو، والدن؛ پیروزی سیاه؛ ترجمه احمد سیف و کاظم فرهادی؛ تهران: انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۶.
۸. بازارگارد، بهاء‌الدین؛ تاریخ فلسفه سیاسی؛ تألیف و ترجمه انتشارات زوار؛ ج ۳، چ ۵، تهران: انتشارات زوار.
۹. تفضلی، فریدون؛ تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)؛ چ ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.
۱۰. تیرل وال، ا. پ؛ رشد و توسعه؛ ترجمه منوچهر فرهنگ و فرشید مجاور حسینی؛ چ ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.

۱۱. چپرا، محمدعمر؛ اسلام و چالش‌های اقتصادی؛ ترجمه سیدحسین میرمعزی و همکاران؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۲. راسل، برتراند؛ تاریخ فلسفه غرب؛ ترجمه نجف دریابندی؛ تهران: کتاب پرواز، ۱۳۷۳.
۱۳. روزدل پالمر، رابرت؛ تاریخ جهان نو؛ ترجمه ابوالقاسم طاهری؛ ج ۲، چ ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۱۴. ژانه، پیر؛ اخلاق؛ ترجمه بدرالدین کتابی؛ اصفهان: انتشارات اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، ۱۳۷۲.
۱۵. سن، آمارتیا؛ اخلاق و اقتصاد؛ ترجمه حسن فشارکی؛ چ ۱، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۷۷.
۱۶. شارل، ژید، و ریست شارل؛ تاریخ عقاید اقتصادی؛ ترجمه کریم سنجابی؛ ج ۱ و ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۱۷. شارون، جوئل؛ ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ چ ۱، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
۱۸. صالح‌نسب (مترجم)، غلام‌حسین؛ «گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۵ بانک جهانی»؛ مجله جهاد، س ۱۵، ش ۱۸۰ و ۱۸۱، ۱۹۵۵م.
۱۹. طالب، مهدی؛ ۱۳۷۶ش)، اصول و اندیشه‌های تعاونی؛ چ ۱، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۲۰. عسگری، علی و حمیدرضا اشرف‌زاده؛ بررسی جایگاه تعاون در بازرگانی خارجی کشور؛ چ ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۶۹.
۲۱. فرسون، سی بی مک؛ جهان حقیقی دموکراسی؛ ترجمه مجید مددی؛ نشر البرز، تهران: ۱۳۶۹.
۲۲. فروم، اریک؛ جامعه سالم؛ ترجمه اکبر تبریزی؛ چ ۴، تهران: انتشارات بهجت، ۱۳۸۵.
۲۳. قدیری‌اصلی، باقر؛ سیر اندیشه‌های اقتصادی؛ چ ۹، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۲۴. کاسیرر، ارنست؛ فلسفه روشنگری؛ ترجمه یدالله موقن؛ تهران: خوارزمی، ۱۳۷۴.
۲۵. کالن، هوراس؛ نشیب و فراز قدرت مصرف‌کننده؛ ترجمه و انتشار سازمان مرکزی تعاون کشور؛ تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، ۱۳۵۰.

۲۶. کمبرلی و رابرت کراپ؛ اصول و رویکردهای تعاون در قرن بیست و یکم؛ ترجمه مرجانه سلطانی، تهران: انتشارات وزارت تعاون (معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج)، ۱۳۸۵.
۲۷. کاپلستون، فردریک؛ تاریخ فلسفه (فلسوفان انگلیسی)؛ ترجمه امیر جلال‌الدین اعلم؛ ج ۵، چ ۳، تهران: سروش، ۱۳۷۵.
۲۸. لالاند، آندره؛ فرهنگ علمی انتقادی فلسفه؛ ترجمه غلام‌رضا وثیق؛ تهران: مؤسسه انتشاراتی فردوسی ایران؛ ۱۳۷۵.
۲۹. میرمعزی، سیدحسین؛ «سیستم تجهیز و تخصیص منابع در اقتصاد بدون سود»؛ مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی؛ تهران: انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
۳۰. نمازی، حسین؛ نظام‌های اقتصادی؛ چ ۱، تهران: شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۸۲.
۳۱. وزارت تعاون و امور روستاها؛ «مجموعه گفتارهای تعاونی»؛ نشریه ۸۵، تهران: انتشارات وزارت تعاون و امور روستاها، ۱۳۵۲.
۳۲. وزارت تعاون (معاونت پشتیبانی و امور مجلس)؛ قانون بخش اقتصاد جمهوری اسلامی ایران با اصلاحات؛ تهران: وزارت تعاون، ۱۳۷۷.
۳۳. ولنکستر، لین؛ خداوندان اندیشه سیاسی؛ ترجمه علی رامین؛ چ ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸.
۳۴. ویچ، داوید؛ به سوی دنیای تعاون؛ چ ۱، تهران: انتشارات سازمان مرکزی تعاون کشور، ۱۳۴۷.
۳۵. هیوت، تام و دیگران؛ صنعتی شدن و توسعه؛ ترجمه طاهره قادری؛ تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی علیه السلام، ۱۳۷۷.
۳۶. یوسفی، احمدعلی؛ نظام اقتصاد علوی؛ چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۳۷. _____؛ «ابهام در اهداف نظام اقتصادی و سامان‌دهی آن»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۶، ش ۲۳، ۱۳۸۵.